

واکاوی انحاء و ابعاد راهبردهای تقویت دیپلماسی نظامی (جهت ثبات امنیت) در اسلام

علی خدابخشی سورشجانی^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲

^۱ دانش آموخته کارشناس ارشد علوم قرآنی از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

چکیده

دیپلماسی روشی برای حل مسائل مربوط به روابط خارجی یک گروه یا جامعه به وسیله گفتگو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر است. از دیرباز تاکنون عمل دیپلماسی برای حفظ ارتباط مسالمت آمیز در میان ملل معروف بوده است. از این رو، مسئله دیپلماسی هم برای شخص و هم برای اجتماع از اهم موضوعات بوده و در تعالیم اسلامی اهمیت زیادی داده شده است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که اسلام در حوزه دیپلماسی نظامی مطلوب چه راهبردهایی معرفی می نماید و هر یک از این راهبردها چه گستره ای دارند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به دنبال استخراج راهبردهای تقویت دیپلماسی نظامی جهت ثبات امنیت است. این پژوهش از نوع نظری است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و از نوع تحقیقات میان رشته ای یا اندر رشته ای در جهت توسعه علوم انسانی است. در یک نگاه کلی، اسلام برای سفیر و دیپلمات ویژگی هایی چون «آراستگی ظاهری، ذکاوت و هوشمندی، کنترل بردباری و احساسات، آشنایی با کشور محل مأموریت، توانمند و کاردان بودن دیپلمات» معرفی می نماید. از طرفی هم ویژگی هایی جهت مذاکره مطلوب معرفی می کند تا انسان ها در ادوار مختلف بتوانند از این تئوری مطلوب استفاده ببرند. دین مبین اسلام برای تقویت دیپلماسی نظامی راهبردهایی را معرفی می نماید؛ از جمله: «اعتزال، ارسال پیام کتبی و شفاهی به سران دولت ها، اعزام نماینده و مذاکرات، مذاکره پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سفیران و نمایندگان، کنگره ها و بحث های آزاد، وفای به تعهدات نظامی، از بین بردن زمینه های مخاصمات، مذاکره برای انصراف از درگیری مسلحانه و میانجی گری».

واژه های کلیدی: اسلام، دیپلماسی نظامی، جدال نیک، اعتزال، میانجی گری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه:

جامعیت دین مبین اسلام از مباحث مهم و اصیل فلسفه دین و کلام جدید است که می‌تواند در مورد هر دینی مطرح باشد، مثلاً درباره دین اسلام بحث جامعیت تحت عناوین مختلف از قدیم‌الایام میان مفسرین، حکما و متکلمین رایج بوده است. در دهه‌های اخیر به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت اسلامی و در پی تلاش برای پیاده کردن ابعاد اجتماعی، سیاسی... اسلام در جامعه، مسئله جامعیت دین به‌صورت جدی مطرح‌شده است. دیپلماسی یکی از مباحث مهم و اساسی اسلام است که نتیجه آن چیزی جز امنیت نخواهد بود. پژوهش حاضر با تأکید بر دیپلماسی نظامی به بحث خواهد پرداخت.

۱-۱. اهمیت پژوهش:

در اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌توان گفت که دیپلماسی مسالمت‌آمیز در همه ادیان و مکاتب وجود داشته است، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک همه افراد بشر، از گذشته تاکنون، امنیت بوده است، لیکن باید به آن به‌عنوان یک موضوع مبنایی و بنیادی جهت ایجاد امنیت ملی نگریسته شود؛ زیرا این احتمال وجود دارد که نسبت به آن سطحی‌نگری شود از این‌رو، خساراتی به ارزش‌های انسانی وارد گردد. هم‌چنان تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه انسانی تهدیدات درونی است. دیپلماسی نظامی در دین مبین اسلام بسیار عمیق و گسترده مورد توجه قرار گرفته است و رسیدن به امنیت مستلزم اموری است که در این پژوهش به آن می‌پردازیم.

۱-۲. پیشینه پژوهش:

از جهت سابقه و پیشینه پژوهش، تحقیقاتی نگاشته شده است؛ اکثر پژوهشگران مبحث دیپلماسی را به‌صورت اجمالی و عمومی بررسی کرده‌اند (کیایی، ۱۳۹۱ ش؛ اسلامی، ۱۳۹۰ ش). برخی از محققان نقش دیپلماسی را در تقویت مسائل اقتصادی بررسی کرده‌اند (عادلی، ۱۳۸۲ ش؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴ ش؛ موسوی شفیعی، ۱۳۹۶ ش)، برخی هم نقش دیپلماسی را در مسائل محض سیاسی بررسی کرده‌اند (رنجبر، ۱۳۸۴ ش؛ سجادی، ۱۳۸۱ ش). تحقیقات فوق، شامل پاره‌ای از موضوعات مرتبط با دیپلماسی نظامی است؛ لیکن تمامی ابعاد این پژوهش را پوشش نمی‌دهند. درحالی‌که پژوهش حاضر با تمرکز بر دستورات اسلام به انحاء و ابعاد دیپلماسی و راهبردهای تقویت دیپلماسی نظامی پرداخته است؛ لذا از این منابع به‌عنوان پیشینه و سابقه استفاده گردیده است. از این‌رو، پژوهش حاضر در دو وجه با تحقیقات گذشته متمایز است؛ اول اینکه تحقیقات گذشته مبحث دیپلماسی را به‌صورت عمومی و اجمالی بررسی نموده‌اند و مبحث نظامی تاکنون به‌صورت عمیق بررسی نشده است. دوم اینکه دیدگاه قرآن و روایات در این موضوع عمیقاً مطرح نشده است که در پژوهش حاضر به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۳. روش پژوهش:

این پژوهش از نوع نظری است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام‌شده و از نوع تحقیقات میان‌رشته‌ای در جهت توسعه علوم انسانی است؛ این کار نوعی بومی‌سازی مفاهیم علوم انسانی بر پایه اسلام به شمار می‌رود. میان‌رشته‌ای یا اندر رشته‌ای (Interdisciplinary) اشاره به حوزه‌های نوین در علم و دانش دارد که بیش از یک زمینه محض دانشی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از این‌رو، تحقیقات میان‌رشته‌ای در جهت تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله است. دانش‌های میان‌رشته‌ای به‌تناسب نیازهای جدید از مرزهای سنتی و تکررشته‌ای عبور می‌کند و به سمت تلفیق چند علم گوناگون می‌رود. پژوهش حاضر مبحث دیپلماسی نظامی که در واقع از شاخه‌های علوم دفاعی-امنیتی به‌شمار می‌رود را با تمرکز بر دستورات اسلام واکاوی می‌کند. هم‌چنین روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای

است که در قالب استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل دستورات اسلام مربوط دیپلماسی نظامی با تمرکز بر امنیت صورت گرفته است.

۲. مفهوم دیپلماسی:

دیپلماسی با ریشه‌ای یونانی به معنای نوشته طومار ماندنی است که به موجب آن امتیازات خاصی به کسی داده می‌شود (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲ ش، ص ۶). دیپلماسی روشی است برای حل و فصل مسائل مربوط به روابط خارجی دولت به وسیله‌ی گفتگو یا هر روش مسالمت‌آمیز دیگر. آنچه از مجموع تعاریف دیپلماسی به دست می‌آید این است که دیپلماسی، دارای ماهیتی مسالمت‌جویانه بوده و مذاکره و گفت‌وگو از ویژگی‌های بارز آن است؛ به طوری که برقراری و ایجاد صلح و زندگی مسالمت‌آمیز در دستور کار اصلی این فعالیت قرار داشته و تمام این فعالیت‌ها در حوزه موسوم به سیاست خارجی، انجام می‌شود. بر این اساس، دیپلماسی را به عنوان فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز، تعریف و توصیف کرده‌اند (قوام، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۰۷). هر چند عمل دیپلماسی برای حفظ ارتباط مسالمت‌آمیز در میان ملل از دوران گذشته معروف بوده است، مع‌ذک تصدیق این عمل از طرف اسلام، مادام که بین اسلام و سایر ملل رابطه خصمانه و جنگی وجود داشته است، اصولاً برای مقاصد صلح جویانانه نبوده است. دیپلماسی در صدر اسلام وسیله‌ی ۱ برای مقاصد جنگی و در واقع قائم‌مقام جنگ محسوب می‌شده است. به این معنی که دیپلماسی در حکم منادی و پیش‌آهنگی بود که رسالت اسلام را قبل از آغاز جنگ ابلاغ می‌کرد و بعد از خاتمه جنگ نیز برای مبادله‌ی اسرای جنگی به کار می‌رفت. پاره‌ای مقاصد صلح جویانه از قبیل تبادل تحف و هدایا یا مذاکره درباره‌ی عهدنامه‌های مربوط به فدیة و غرامت تا قبل از دوران عباسی‌ها معمول و متداول نبود. حتی در آن دوره، سفرا درباره‌ی یک حادثه معین یا رفع بحرانی که پیش آمده بود، اعزام می‌شدند که اغلب مورد سوءظن بودند و آن‌ها را جاسوس می‌دانستند (خدوری، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۸۳).

۳. ویژگی‌های سفیر و دیپلمات:

امروزه با توجه به اهمیت دیپلماسی ضرورت توجه به ویژگی‌های متولیان آن بیش از هر زمان دیگر آشکار شده است، چرا که در نظام نوین بین الملل دیپلمات‌ها در تعیین سرنوشت امور کشور در عرصه خارجی نقشی مهم یافته‌اند و شناخت ویژگی‌ها و مهارت‌های آنان در تعیین وظایف ایشان تأثیرگذار است. بنابراین کشورهای راه خیر و صلاح را خواهند پیمود که در بذل توجه به این خصوصیات مصر باشند، چراکه دیپلمات آئینه تمام نمای کشور و ملت و دولت متبوع خویش محسوب می‌شود (پورامینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۸۹). از ویژگی‌های سفیران و دیپلمات‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۳-۱. آراستگی ظاهری:

رعایت آراستگی ظاهری اعم از لباس و غیره بر دیپلمات و سفیر امری لازم و ضروری است، چراکه بی‌توجهی به این ویژگی در نزد مردم و همچنین محافل دیپلماتیک نشانه حقارت و کوفت‌فکری وی محسوب شود (پورامینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۹۰). علاوه بر این، کسی که به آراستگی ظاهری خود بی‌توجه باشد، شایستگی و کفایت خود را نیز زیر سؤال خواهد برد، چراکه بینندگان در مورد توان سیاسی و صلاحیت مذاکره کسی که توان رسیدگی به ظاهر خود را ندارند، تردید خواهند نمود (حصاری، ۱۳۷۲ ش، ص ۶۶).

۳-۲. ذکاوت و هوشمندی:

ذکاوت و هوشمندی دیپلمات و سفیر علاوه بر اینکه وی را در انجام هر چه بهتر وظایفش یاری می‌کند، بر سایر ویژگی‌های او نیز کاملاً تأثیر می‌گذارد. هوش امری ذاتی است و دستگاه دیپلماسی کشور هر آنچه را بتواند برای مأمور خود مهیا سازد، هرگز

قادر نخواهد بود هوش و استعداد را به کسی که فاقد آن است، اعطا نماید. از این رو در دنیای کنونی آنچه اهمیت دارد انتخاب کارگزاران دیپلماسی از میان باهوش‌ترین افراد است (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲ ش، صص ۹۶-۹۷). به عبارت ابن فراء، سفیر باید تیزهوش و آشنا به استدلال بوده و حجت‌هایش را بر سر زبان داشته، بیدار مغز و دل‌آگاه باشد و اشاره را دریابد و بیش از آنکه طرف سخن بگوید، حجت او را بازشناسد تا آنچه را او نقض می‌کند، ابرام سازد و آنچه را ابرام می‌کند، نقض نماید و این همه را بی‌تکلف و به‌صورت طبیعی انجام دهد، زیرا متکلف به‌زودی رسوا می‌شود (ابن فراء، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۵۷).

۳-۳. کنترل بردباری و احساسات:

از آنجاکه فعالیت‌های دیپلماتیک معمولاً در بلندمدت به بار می‌نشیند، دیپلمات باید شخصی صبور و بردبار باشد و هرگونه سختی را برتابد و به‌سرعت خشمگین نشود. احساساتی بودن سفیر و دیپلمات نقطه‌ضعفی است که موجب خشنودی طرف مقابل می‌گردد؛ چراکه این امر تحریک‌پذیری او را به‌خوبی آشکار می‌سازد و زمینه‌های بهره‌برداری از آن را برای دیگران فراهم می‌سازد (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۰۰).

۳-۴. آشنایی با کشور محل مأموریت:

لازم است دیپلمات ابتدا کشور محل مأموریت خود را به‌خوبی بشناسد و سپس شروع به کار نماید و شناخت خود را تداوم بخشد (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۱۵). سفیران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آشنایی و اطلاع کافی از حوزه محل مأموریت خویش داشتند؛ برای مثال می‌توان به سفیر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌سوی قیصر روم اشاره کرد که درباره منطقه شامات اطلاعاتی وسیع داشت و چندین بار به این منطقه سفر کرده بود. او برای سرزمین مسیحی در نظر گرفته‌شده بود، مدت‌ها در حبشه زندگی کرده و از آیین مسیحیت و تعالیم کلیسا آگاهی یافته بود (پورامینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۰۵).

۳-۵. توانمند و کاردان بودن دیپلمات:

مذاکره‌کنندگان در عرصه دیپلماسی و روابط بین‌الملل، می‌بایست از آمادگی بالایی برخوردار باشند. بر پایه دیدگاه قرآنی توانمندی در برابر دشمن سبب ایجاد ترس در دل دشمنان شده و این امر جلو توطئه و خیانت آنان را خواهد گرفت. همان‌گونه که قرآن کریم در فرمان به تجهیز و تقویت ساخت درونی و بنیه دفاعی مسلمانان می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ (انفال / ۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت». شاید در اولین نگاه تصور شود که منظور از این آیه تجهیز قدرت نظامی در برابر دشمنان است اما با توجه به اطلاق آیه فهمیده می‌شود که در تمامی حوزه‌ها باید در برابر دشمن مجهز شد. بنابراین از قدرت مذاکره سیاسی در عرصه بین‌الملل، که در مفهوم «قوه» نهفته است و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد. دشمن همواره بیدار است و منظر غفلت ماست تا بتواند بر ما چیره شده و غلبه نماید (رضایی، ۱۳۹۶ ش، صص ۱۰۴-۱۰۵). قرآن کریم با هشدار به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا (نساء / ۷۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید». فرمان «خُذُوا حِذْرَكُمْ» دستور به کارگیری عقل و بصیرت در دشمن‌شناسی است. «حاذر» کسی است که با بهره‌گیری از عقل و با درایت در برابر دشمن موضع می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱۹، صص ۴۶۳-۴۶۴). همچنین امیرالمومنین علیه السلام در خصوص انتخاب

کارگزاران شایسته اعم از عوامل نظامی و غیر آن خطاب به مالک اشتر می نویسد: «واجعل لراس کل امر من امورک راسانهم، لا یقهر کبیرها و لا یتشتت علیه کثیرها» (نهج البلاغه / نامه ۵۳). و برای سرپرستی هرکاری از کارهایت، سرآمدی از آنان را بگزار (آن چنان کسی که) نه سنگینی کار او را از پا در آورد و نه بسیاری آن ها وی را به پراکندگی و آشفتگی دچار کند (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ش، ص ۶۰). قران کریم در آیه ۱۶۴ آل عمران می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران / ۱۶۴). با عنایت به آیه فوق و تأکید قرآن بر اینکه یک رهبر بایستی از جنس خود راهبران باشد و با توجه به پیچیدگی های هنر سرپرستی، فرمانده یک گروه نظامی نیز می بایست از بین خود آنان انتخاب شود نه اینکه از جای دیگر کسی را بدون داشتن تخصص لازم و آشنایی با مسائل نظامی بر همه یا قسمتی از ارتش مسول قرار دهیم (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ش، ص ۵۹).

۴. ویژگی های مذاکره:

در ذیل به ویژگی های مذاکره مطلوب در اسلام خواهیم پرداخت:

۱-۴. جدال نیک:

این روش بیشتر در مواجهه با افرادی به کار می رود که با تعصب کورکورانه به طریق باطل خود ادامه می دهند. انسان گاه نسبت به پدیده یا حقیقتی از حقایق جهان علم پیدا می کند و رابطه ای ذهنی میان خارج و درون خود برقرار می کند. علم این گروه عموماً محدود به ابزار و وسایل حسی و همراه باهدف گیری انسان است، اما نوعی شناخت و درک از جهان خارج است. اما گاه انسان افزون بر شناخت و آگاهی قطعی و ظنی، نوعی تعلق خاطر و وابستگی پیدا می کند. گرایش به موضوعی خاص چنان در دل او ریشه می کند که همه فکر و ذکرش را اشغال خواهد کرد (فقیهی مقدس، ۱۳۹۰، ش، ص ۱۳۶). از تبع در فرهنگ والای اسلامی چنین استنتاج می گردد که آموزه های دین مروج گفت و گو و تعاطی افکار و برخورد منطقی با عقاید مختلف بوده و خاستگاه فرهنگ دین، تحمل فکر و نظر تبادل فکر، به کارگیری زبان منطقی و خرد و دعوت به شنیدن سخن ها و برگزیدن بهترین هاست (فقیهی مقدس، ۱۳۹۰، ش، ص ۱۳۶). خدای سبحان فرمودند: «وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا أَمَّا بِالَّذِي آتَنَّا وَإِلَيْنَا وَإِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (عنکبوت / ۴۶) و با اهل کتاب، جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله مکنید- مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده اند- و بگویید: به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوریم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم». در این آیه اشاره است که ارشاد جامعه و دعوت مردم بسوی پروردگار باید با بهترین وجه و زیباترین نحو و با نرمش در آگاهی آنان به نشانه های هستی خدای جهان و ایمان باو، باشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ش، ج ۱۹، ص ۷۱). مجادله وقتی نیکو به شمار می رود، که با درشتخویی و طعنه و اهانت همراه نباشد، پس یکی از خوبیهای مجادله این است که: با نرمی و سازش همراه باشد، و خصم را متاذی نکند که در این صورت مجادله دارای حسن و نیکی است، یکی دیگر اینکه شخص مجادله کننده از نظر فکر با طرفش نزدیک باشد، به این معنا که هر دو علاقه مند به روشن شدن حق باشند، و در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند، و لجاجت و عناد به خرج ندهند، پس وقتی این شرط با شرط اول جمع شد، حسن و نیکویی مجادله دو برابر می شود، آن وقت است که می توان گفت این مجادله بهترین مجادله ها است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ج ۱۶، ص ۲۰۵).

۴-۲. گفتار نیک:

در حقیقت، گفتار نیکو، روش انسان های نیکو و با ادب و گفتار زشت و ناروا روش انسان های فرومایه و بی ادب است. آن کس که خود را به روش نیکو گفتاری عادت دهد، همواره پیروز است و خود را از سرزنش دیگران بر کنار داشته است (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۹۶). امام علی علیه السلام فرمود: عود لسانک حسن الکلام تامن الملام (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۷)؛ عادت بده خود را سخن نیکو تا از سرزنش در امان باشی. ناسزاگویی به اندازه ای از اخلاق اسلامی دور است که خدای متعال برای جلوگیری از آن دستور می دهد که حتی در مورد افراد بی دین نیز از این کار صورت نگیرد (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۹۶). در زمان صدر اسلام جمعی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدیدی که از مسئله بت پرستی داشتند، گاه بت های مشرکان را به باد ناسزا گرفته و به آن ها دشنام می دادند، قرآن آنان را از این کار نهی کرد و رعایت ادب و عفت و نزاکت در بیان را، حتی در برابر خرافی ترین و بدترین ادیان، لازم شمرد (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۳۹۴). امروزه نیز مسلمانان به هنگام مذاکره باید اخلاق اسلامی خود را به رخ جهانیان کشیده و حتی در برابر دشمنان نیز از شیوه ناسزاگویی بپرهیزند (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۹۷).

۴-۲-۱. عدم اهانت به ارزش های طرف مقابل:

ارتباط میان انسان ها زمانی برقرار خواهد شد که برقرار کنندگان ارتباط که همان دیپلمات ها و سفرا می باشند؛ رفتار خود را به گونه ای تنظیم کنند که باعث اهانت به ارزش ها و عقاید برقرار کنندگان ارتباط نگردد؛ یعنی به ارزش ها و عقاید دریافت کنندگان پیام توهین نشود. در صورت اهانت به عقاید طرف مقابل برقراری ارتباط به صورت مطلوب ممکن نخواهد بود. از دیدگاه قرآن به این اصل توجه شده است که خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات و ارزش های غیر مسلمان نهی می کند. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/ ۱۰۸)؛ هیچ گاه بت ها و معبود های مشرکان را دشنام ندهید، زیرا این عمل سبب می شود که آن ها نیز نسبت به ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند. این آیه یکی از ادب های دینی را خاطرنشان می سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی شود، چون این معنا غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع نموده با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدسات آنان وادار سازد و چون ممکن بود مسلمین به منظور دفاع از حریم پروردگار بت های مشرکین را هدف دشنام خود قرار داده در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکین را نیز وادار سازد که حریم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند لذا به آنان دستور می دهد که به خدایان مشرکین ناسزا نگویند، چون اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضه به مثل به ساحت قدس ربوبی توهین کنند در حقیقت خود مؤمنین باعث هتک حرمت و جسارت به مقام کبریایی خداوند شده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۴۳۴).

۴-۲-۲. پرهیز از خشونت و ناسزاگویی:

ناسزاگویی روشی است که برخی از کشورهای ستمگر از آن استفاده می کنند تا بدین وسیله بتوانند در برابر کشورهای ضعیف تر امتیاز بگیرند. این روش از دیدگاه اخلاق اسلامی بسیار ناپسند بوده و مسلمانان از این کار زشت منع شده اند. براساس اخلاق اسلامی یک مذاکره کننده باید گفتاری نیکو داشته و از گفتن هر سخن ناروایی بپرهیزد. خداوند متعال در این باره می فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا (بقره/ ۸۳) و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید». این تعبیر کنایه است از حسن معاشرت با مردم، چه کافرشان و چه مؤمنشان دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۹).

۳-۲-۴. پرهیز از تمسخر:

این روش معمولاً از طرف سردمداران کشورهای مستبد و ستمگر انجام می‌گیرد که امروزه به طور متعدد از آنان مشاهده می‌شود. اما خدای متعال همه ی مؤمنین را از این عمل زشت و زننده بازداشته و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» (حجرات/ ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند. قرآن کریم به همه هشدار می‌دهد که از این عمل زشت بپرهیزند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه همان حس خود برتری و کبر و غرور است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۲، ص ۱۷۹). در شهر مدینه مردی پست و فرومایه بود که کار او فقط هرزه‌گویی و خندانند مردم بود. یک روز گفت که این مرد (علی بن الحسین) مرا عاجز کرده است؛ زیرا تا کنون نتوانسته‌ام او را بخندانم (منتظر فرصتی بود) تا اینکه روزی امام سجاد (علیه السلام) به همراه دو تن از خدمتگزاران خود می‌گذشت. او نیز (فرصتی بدست آورد) و عبا ی آن حضرت را از دوش مبارکش کشید و رفت. امام هیچ گونه اعتنایی به او نکرد. کسانی که آن جا بودند رفتند و عبا ی امام سجاد (علیه السلام) از او گرفته و بر دوش مبارک آن بزرگوار انداختند. امام (علیه السلام) پرسید: این شخص که بود؟ گفتند: او مرد هرزه‌گویی است که مردم مدینه را می‌خندانند. امام (علیه السلام) فرمود: به او بگویند خدا را روزی است که در آن روز یاهو سرایان زیان کار خواهند شد (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۲۰). مذاکره کنندگان کشورمان به اطف برخورداری از اخلاق اسلامی کمتر به این رذیله مبتلا هستند اما باید بکوشند که این حالت را در خود تقویت کرده و بدانند که شیطان بسیار اهل خدعه و نیرنگ بوده و با توجیه‌های گوناگون نظیر مقابل به مثل و... افراد را گمراه می‌کند. باید همواره به این نکته توجه نمود که سیاستمداران کشورهایی که به این آفت مبتلا هستند، در واقع رذیلت‌های درونی خود را که همان تکبر و غرور و... است را بیرون ریخته و نشان دهنده پایین بودن تمدن و فهم آنان از مسائلی اخلاقی است. پس نباید خود را با جواب‌های بیهوده به آنان آلود بلکه باید به کمک نیروی عقل و منطق و در فرصت مناسب پاسخی دندان شکن به آنان داد (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۰۱).

۳-۴. قابل فهم بودن:

روش دیگری که در مذاکرات کمک می‌کند، قابل فهم بودن گفتار است. مذاکره کننده باید گفتار خود را به گونه ای بیان کند که برای شنونده قابل فهم باشد امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أحسن الكلام ما لا تمجه الأذان و لا يتعب فهمه الأفهام» (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۳۳۷)؛ بهترین سخن‌ها آن است که گوش‌ها آن را به بیرون نیفکند و فهمیدن آن برای فهم آن، رنج‌آور نباشد. روش تفهیم مطالب در مذاکرات بسیار حیاتی است؛ زیرا مذاکرات برای تفاهم ایجاد می‌شود حال آن که اگر مفاهیم به درستی منتقل نشود باعث سوء تفاهم شده و اختلافات را شدیدتر از گذشته می‌کند (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۹۵).

۱-۳-۴. پرهیز از ابهام‌گویی:

ابهام‌گویی از امور بسیار ناپسند در مذاکرات سیاسی است؛ چرا که طرف مقابل سردرگم شده و از این فرصت برای فریب‌وی استفاده می‌شود. این روش گاه بوسیله ی پرسش‌های مغرضانه و مسئله دار و چند پهلو یا طفره رفتن از اصل موضوع یا کشاندن موضوع به مسائل حاشیه‌ای و بحث برانگیز و... است که باعث ابهام ذهن فرد مقابل و آلودگی فضای مذاکره و خروج از دایره موضوع و عدل و انصاف می‌شود (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۰۲). پرهیز از ابهام به اندازه ای اهمیت دارد که حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند در خواست می‌کند که این نقیصه را از کلامش بزدايد در جایی که عرضه داشت: «و گرّه از زبانم باز کن تا سخنان مرا بفهمند» (طه/ ۲۸) منظور از بازشدن گرّه زبان قدرت تکلم و روانی منطق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۱۸۷). مذاکره کنندگان باید به شدت از این روش خودداری کرده و از آن اجتناب نمایند. در چنین شرایطی باید به طرف مقابل تذکر داده شود که از این عمل ناپسند اجتناب کند و با ظرافت و زیرکی و مهارت، می‌بایست مذاکره را به سمت

موضوع اصلی سوق داد اگر طرف مقابل به هیچ صراطی مستقیم نبوده و باط هم به روش نادرست خود ادامه داد، در این صورت باید مذاکره را ترک کرد و از ادامه مذاکره با چنین گروهی اجتناب نمود (رضایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۰۳). قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (مومنون/ ۳)؛ و آنان که از بیهوده رویگردانند»؛ و نیز می فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (قصص/ ۵۵)؛ و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی تابد و می گویند: «کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست. سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم».

۲-۳-۴. پرهیز از دروغ و مکر:

دیپلمات اسلامی هیچ گاه برای کسب موفقیت به تعهدات دروغین و عهد شکنی روی نمی آورد. دروغ اگر چه موجب موفقیتی گردد، اما در فرجام به دلیل آثار نامطلوب خود، نتایج ناخوشایندی برای دیپلمات و کشور وی به همراه خواهد داشت؛ چرا که دروغ و تقلب نشانه پایین بودن سطح فکر دیپلمات و ناتوانی کشور او تلقی می شود (پورامینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۰۵).

۵. الگوی اسلام در تقویت دیپلماسی نظامی:

۱-۵. اعتزال:

اعتزال و بی طرفی عبارت است از سلب مسولیت و عدم مداخله یک کشور در امور سیاسی یا نظامی مورد نزاع دو یا چند کشور (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲ ش، ج ۱ ص ۴۱۲). کشور اسلامی با در نظر گرفتن مصالح امت، می تواند سیاست بی طرفی و عدم مداخله، به طو کلی و یا در مواردی خاص را در پیش بگیرد. کشور ها غیر مسلمان نیز می تواند در مقابل دارالاسلام چنین وضعیتی داشته باشند. کشور هایی که پیمان عدم مداخله و بی طرفی با ارالاسلام امضا می کنند «دارالحیاد» نامیده می شوند (عمید زنجانی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱ ص ۸۹). واژه ی اعتزال در قرآن کریم در موارد مختلفی به کار برده شده است از جمله:

الف- کناره گیری از مناقشات بی ثمر عقیدتی و آن در صورتی است که صاحبان عقیده ایمان، نتوانند مخالفان را قانع کنند؛ که آن را تحمل نمایند و یا تحمل مناقشات غیر منطقی مخالفان برای آنان امکان پذیر نباشد. جریان حضرت ابراهیم حضرت موسی و اصحاب کهف در قرآن ناظر به همین مورد است (خلیلیان ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۲۹).

ب- بی طرفی سیاسی که بر اساس آن کشور اسلامی نمی تواند به ضرر کشور هایی که علیه دارالاسلام یا به نفع دشمنان دارالاسلام موضعی نگرفته اند اقدامی انجام دهد (میانجی، بی تا، ج ۲، ص ۹۰). قرآن کریم در مورد بی طرفی سیاسی می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَوْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء/ ۹۰)؛ مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است، پیوند داشته باشند، یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود، به تنگ آمده باشد؛ و اگر خدا می خواست، قطعاً آنان را بر شما چیره می کرد و حتماً با شما می جنگیدند. پس اگر از شما کناره گیری کردند و با شما ننگیدند و با شما صلح افکندند، [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است».

ج- بی طرفی در جنگ که بر اساس ان دارالاسلام نمی تواند علیه کسانی که نسبت به درگیری نظامی موضع بی طرفی دارند، وارد جنگ شوند و یا در مناقشات نظامی که به مصلحت دارالاسلام نیست مداخله کند (قرآن و روابط بین الملل، محسن قبادی، ۱۳۸۷، کومه، تهران ص ۱۳۷) قرآن کریم در صورت نقص بی طرفی برای رفع فتنه، دستور جنگ داده می فرماید: «سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُواكُمْ وَ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كَلَّمَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَ يَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخَذَوْهُمْ وَ أَقْتَلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (نساء/ ۹۱)؛ به زودی، گروهی دیگر را

خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند. هر بار که به فتنه بازگردانده شوند، سر در آن فرو می‌برند. پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برنداشتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان. آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم.

۲-۵. ارسال پیام کتبی و شفاهی به سران دولت‌ها:

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) پس از بازگشت به مدینه فوراً نامه‌های به برخی حکام عرب و سران کشور های بزرگ نگاشت و آنان را به سوی دین اسلام دعوت کرد رسول گرامی اسلام در ماه محرم سال هفتم هجری شش نامه از مدینه منوره به سوی

۱- هرقل امپراتور روم؛

۲- خسرو پرویز شاهنشاه ایران؛

۳- نجاشی پادشاه حبشه؛

۴- مقوقس حاکم بصره،

۵- هوده بن علی حاکم یمامه؛

۶- حارث بن ابی شمر حاکم غسان ارسال کردند (هاشمی حصری، بی تا، ص ۲۵۸).

۳-۵. اعزام نماینده و مذاکرات:

در فتوحات صدر اسلام، فرمانده قوا پس از فرستادن دعوت نامه و قبل از شروع به جنگ، سه روز برای وصول جواب منتظر می‌شود. در طول این مدت مسلمین نیز خود را آماده مذاکره می‌کردند تا اگر دشمن نماینده ای بخواهد، بفرستند. این جریان غالباً منتهی به صلح و سازش می‌شود یکی از مواردی که چگونگی مذاکرات بن مسلمین و مخالفینشان را نشان می‌دهد و قبل از جنگ قادسیه به سال ۶۳۷ م انجام گرفته است، مذاکراتی است که بین سعد بن وقاص فرمانده عرب و رستم فرخ زاد فرمانده قوای ایران صورت گرفته است سعد برای این منظور هیاتی را مرکب از چند نفر رجال جنگی مهم تحت ریاست مغیره بن شعبه نزد رستم فرستاد و این هیات مستقیماً با رستم وارد مذاکره شدند. صورت مذاکرات این مجلس جزء به جزء در تاریخ طبری ذکر شده است (خدوری، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳۵). در دیپلماسی نبی اکرم (ص)، عمده ترین عامل استقرار روابط دیپلماتیک با دولت های خارجی، نمایندگان، سفیران و فرستادگان خاص حکومت اسلامی اند. بنا بر این مساله اعزام سفرا باید با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار بگیرد. چون که معضل اساسی در اسلام انتشار پیام وحی و دعوت مردم به آن، حضور حکام و زمامداران سرزمین های اطراف و سران قبائل و صاحبان نفوذ بودند که حائلی میان مردم و پیام وحی به شمار می آمدند. لذا رسول خدا برای مقابله با این مشکل، ترجیح دادند که از راه و طریق دیپلماتیک و استفاده از شیوه های مطمئن و در عین حال منطقی، به حل مساله بپردازند. این مقامات دارای اهمیت و احترام خاص بودند و از میان صالح ترین و شایسته ترین مومنان انتخاب می گردیدند (غفوری، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۸۷).

۴-۵. مذاکره پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سفیران و نمایندگان:

پیامبر گرامی اسلام، ضمن آنکه سفیران و رسولانی را برای انجام مذاکرات به سوی قبایل و سران دولت های مجاور اعزام می‌دارد، خود نیز مذاکره های متعددی را با نمایندگان طوایف، گروه ها و اقوام انجام می‌دهند، حضرت در بیشتر موارد، مدیریت این مذاکره ها را به عهده داشته که بیانگر اهمیت شیوه های مذاکره از نظر اسلام است (سجادی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۴). حارث

بن عبد کلال، نعیم بن عبد کلال و نعمان به نمایندگی از جانب سلاطین حمیر و همدان، در مدینه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملاقات و مذاکره کردند و نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با خود برای آنان بردند. در آن نامه تاکید شده بود که: (من کان علی یهودیته او نصرانیته فانه لایفتن عنها) (کسی که در دین خود باقی بماند، از دینش با اجبار برگردانده نمی شود). فراغت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از برخورد با قریش به وی فرصت داد مذاکره با سفرای قبایل و دولت ها و ملوک را بیش از پیش فعال تر کند. از سال ششم هجری، مدینه شاهد ورود هیات های نمایندگی دولت ها، قبایل و گروه های مذهبی بود و سال به سال بر تعداد وفود و ارتقای سطح مذاکراتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با احترام کامل از هیات های نمایندگی استقبال می نمود و با صداقت و قاطعیت با آنان مذاکره می کرد و به آنان اطمینان می داد که می توانند در کنار مسلمانان از آرامش و امنیت برخوردار باشند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۲).

۵-۵. کنگره ها و بحث های آزاد:

اسلام سه دین بزرگ مجوسیت، یهودیت و مسیحیت را به رسمیت شناخته و برای پیروان این سه آیین، احترام و حقوق خاصی قائل شده است. تشکیل کنگره ها و صحنه های بحث آزاد برای طرح دلایل و اظهارنظرهای طرفین در روشن شدن حقیقت، پیش از مبارزه تبلیغاتی غیابی که معمولاً منصفانه و عادلانه انجام نمی گیرد، مفید و موثر است. احتجاجاتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بویژه در مدینه با هیات های مذهبی اقامه فرمود، نمونه ای از شیوه دیپلماسی را در بر دارد. با استفاده از این شیوه سعی بر آن داشت تا مخالفان را با استناد به عقاید و آراء پذیرفته شده ی خودشان، به موضع قبول رسالت خویش بکشاند و از این طریق، آنان را ملزم به پیروی از اسلام کند. کلمه احتجاج نیز نشان دهنده همین معنی است زیرا طرفین در این شیوه بحث سعی می کنند با استناد به معتقدات طرف مقابل استدلال کنند و همواره مستندات مورد قبول طرفین یا دست کم، پذیرفته شده از طرف مقابل باشد (عمید زنجانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۵۱).

۵-۶. وفای به تعهدات نظامی:

خدای سبحان می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده/ ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید به عقد و پیمان ها (ی خود، با خدا و مردم) وفا کنید». مسلمان ها باید به همه ی پیمان ها (با هر کس و هر گروه) پایبند باشند، چه قراردادهای لفظی، کتبی، پیمان های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و یا خانوادگی، با قوی یا ضعیف، با دوست یا دشمن، با کشورهای منطقه یا قراردادهای بین المللی. کلمه العقود شامل همه ی قرار دادهای می شود (نادری، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۰۱). حضرت علی (علیه السلام) در دیدگاه های خود در مورد عهد و پیمان، به دنبال نقطه مشترکی است که تمام انسان ها را از هر دین و آیین و قوم و ملت به هم وصل کند و نقطه اتکایی بیابد که تمام ابنای بشر در مورد آن وفاق و اجماع نظر داشته باشند و بقای نوع بشر در سایه آن تضمین شود. امام این نقطه اتصال و اتکا را عهد و پیمانی می داند که خداوند آن را همچون حریمی استوار و خدشه ناپذیر، محور و اساس آرامش و امنیت جوامع انسانی قرار داده است. حضرت علی (علیه السلام) به شدت تلاش می کرد که نگذارد این حریم استوار و مبنای مورد وفاق جامعه انسانی خدشه دار شود و حرمت آن بشکند و حتی قدرت و حکومت خود را قربانی کرد تا این حریم برای بشریت محفوظ بماند و انسان ها حداقل یک چیز داشته باشند که در آن به آرامش و امنیت خود اعتماد و اطمینان کند (ذاکریان، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۸۰). یکی از مهم ترین اصول در روابط خارجی و بین المللی در اسلام، اصل وفای به عهد و پیمان است. از نگاه اسلامی التزام به این اصل سیاستی راهبردی و بلند مدت است که تحت هیچ شرایطی نقض نی شود. از آیات و روایات چنین استفاده می شود که وقتی مسلمانان معاهده و قراردادی را با غیر مسلمانان منعقد می کنند، جز در صورت تخلف طرف مقابل، نقض آن به هیچ وجه جایز نیست و وفای به آن به حکم عقل و شرع لازم است (منتظری، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۲۵۸). فلسفه تاکید اسلام بر لزوم وفای به عهد و پیمان، همزیستی و زندگی مسالمت آمیز و صلح و امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی شان بر اساس توافق و اراده مشترک تنظیم

شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۴۷۶). نمونه های بسیاری در سیره سیاسی پیامبر اسلام وجود دارد که نشان دهنده پایبندی آن حضرت به عهد و پیمان و وفاداری به آن است، مانند پیمان عقبه، صلح حدیبیه، و منشور و میثاق مدینه و پیمان های جداگانه دیگری که با قبایل و یهودیان و مسیحیان منعقد گردید (پورامینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۴). اسلام هرگونه فریب و خدعه را در روابط بین الملل نفی می کند. دولت اسلامی در عهد و پیمان خود خیانت نمی کند حتی در میدان جنگ «اگر به دشمن بگویند تو در امانی و پس از تسلیم شدن او را بکش، حرام است؛ چرا اینکه این خدعه است» (نجفی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، صص ۷۸-۷۹).

۷-۵. از بین بردن زمینه های مخاصمات:

وقتی شرایط به سوی تنش پیش می رود و هر روز با عمیق تر شدن اختلاف ها، تنش ها تشدید می شود مهمترین وظیفه ی افراد و سازمان های ذی نفوذ و از جمله بازیگران سیاسی این است که با توسل به هر شیوه ای، از رسیدن طرف ها به این نتیجه که راهی جز جنگ نیست جلوگیری کنند (ذاکریان، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۸۵). پیامبر اسلام قبل از تمام جنگ هایی که مشرکان با او داشتند و همچنین تمام برخورد ها و تعاملات خود با یهودیان مدینه، به طور جدی کوشش می کردند که جنگ و برخورد فیزیکی و خشونت آمیز صورت نگیرد و اختلافات به نحو مطلوب حل شود یا عجالتا تشدید نشود (علیخانی، ۱۳۸۶ ش، صص ۲۶۹-۲۹۳). مهم ترین راه هایی که امام علی (علیه السلام) برای پیشگیری از جنگ به کار بست اول ادای حقوق و تن دادن به خواسته های طرف مقابل بود، تا حدی که از چارچوب مسلم شرع و عدالت خارج نشود، و راه دوم گفت و گو بود تا بتواند تنش ها را کاهش دهد یا دست کم در همان سطح نگه دارد. حضرت علی (علیه السلام) وقتی به حکومت رسید آزاری های سیاسی مخالفان خود را محدود نساخت و بزرگانی را که از بیعت با آن حضرت خودداری کردند مجبور به بیعت نکرد و حتی از یکی از آن ها خواست که ضامنی بیاورد که اغتشاش نمی کند و او گفت ضامنی ندارم، مردم خواستند او را بکشند ولی امام مانع شد و فرمود من خود ضامن او هستم (ابن اثیر، ۱۲۸۵ ق، ج ۳، ص ۳۲۰). در خصوص سایر مخالفان و دشمنان مثل مروان بن حکم و برخی از افراد ذی نفوذ بنی امیه، که احتمال جنگ و درگیری از سوی آنان می رفت امام علی (علیه السلام) هم شیوه ی گفت و گو و استدلال را در پیش گرفت تا بتواند با روش اقناعی آن ها را متقاعد سازد، و هم حقوق و خواسته ی های آنان مثل امنیت را ادا کرد و توهنات نا امنی آن ها را از بین برد (البلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۸۷) تمام این اقدامات امام علی (علیه السلام) را می توان تلاش هایی در جهت پیشگیری از شکل گیری زمینه های خشونت و مخاصمات مسلحانه ارزیابی کرد.

۸-۵. مذاکره برای انصراف از درگیری مسلحانه:

از دیدگاه اسلام مهمترین وظیفه همه افراد و سازمان های ذی نفوذ و از جمله بازیگران سیاسی این است که با توسل به هر شیوه ای، از جنگ جلوگیری کنند خداوند تعالی در قرآن به مسلمانان دستور می دهد در صورت تمایل دشمن، صلح را بپذیرند «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال / ۶۱)؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست». سیره امام علی علیه السلام مه به اجماع شیعه بیانگر دیدگاه اسلام می باشد بر این امر استوار است که هیچ گاه آغاز کننده ی جنگ و خشونت نباشد، پس از آنکه رفت و آمد ها و مذاکرات قبل از شروع جنگ جواب نمی داد و طرف مقابل تحت هیچ شرایطی حاضر نبود دست از نبرد بردارد امام به شکران خود می فرمود شما بنشینید و جنگ را آغاز نکنید (مفید، ۴۱۴ ق، ص ۳۹۹) همچنین اگر مراحل پیشگیری از جنگ جواب نمی داد و دولشکر در مقابل هم صف آرایی می کردند و آماده جنگ می شدند، افراد با نفوذ و سفیرانی می فرستاد تا برای انصراف در جنگ مذاکره کنند و این مذاکرات را نه از منظر نگرش و منافع خود، بلکه از منظر نقاط اشتراک دو لشکر پی می گرفت و بر مسائلی تاکید می کرد

که مورد قبول هر دو طرف بود در این تلاش ها امام علی به یک بار یا یک سفیر بسنده نمی کرد، و افراد مختلفی را به عنوان میانجی بارها برای مذاکره می فرستاد (ابن جوزی، بی تا، ص ۶۹).

۹-۵. میانجی گری:

روش دیگر در حل اختلافات، روش میانجی گری است. در این روش، مقام یا کشور ثالثی که در نزاع فی مابین دو کشور شرکت نداشته، دخالت می کند و به صورت مسالمت آمیز ابتکارات خاصی اعمال می کند تا دو شور متخاصم به دلیل موقعیت ویژه شخص میانجی یا عللی دیگر، از نزاع دست برداشته و اختلافات خویش را به صورت مسالمت آمیز حل کنند. از نظر حقوق دانان، میانجی گری دخالت دوستانه کشور ثالث برای حل اختلافات دو کشور است و تفاوت آن با وساطت دوستانه این است که میانجی معمولاً در مذاکرات طرفین دعوا شرکت کرده و راه حل هم پیشنهاد می کند ولی در وساطت دوستانه چنین نیست. این روش ظاهراً در تاریخ زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خلفا سابقه ندارد، ولی روش صحیحی است و از نظر حقوق اسلام معنی ندارد و در ضمن روایات زیادی به آن تشویق شده است (موسوی ۱۳۸۲ ش، صص ۶۰-۶۱۹). این نکته نیز گفتنی است که روش میانجی گری در حل اختلافات، یک روش اختیاری است جز اینکه دو کشور در پیمان نامه ای این روش را برای حل اختلافات انان الزامی خواهد بود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا، ج ۲، صص ۳۹-۴۰). در میانجی گری بین المللی، کشور ثالث و بی طرفی که در نزاع طرفین شرکت نداشته، دخالت می کند و برای رفع اختلاف ها از طریق مسالمت آمیز ابتکارهای خاصی را اعمال می کند (سجادی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۰۸). در تاریخ اسلام و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) به برخی از نمونه ها و نمود های تاریخی اشاره شده است:

۱- در سال اول هجرت میان سربازان اسلام به فرماندهی همزه و سپاه قریش، به فرماندهی ابو جهل، آرایش و تقابل نظامی شکل گرفت، همه چیز برای وقوع یک جنگ گسترده آماده بود. مجدی بن عمرو که با هر دو طرف مسلمانان و اهالی مکه قرابت و وستی داشت، مداخله و میانجی گری نمود (ابن هشام، ۱۹۷۸ م، ص ۴۱۹).

۲- در قضیه پیمان شکنی یهودیان بنی قینقاع که نوعی تنش و خصومت میان پیمان شکنان و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وجود آمد و زمینه درگیری و جنگ داخلی میان یهودیان و مسلمانان فراهم شد، فردی از هم پیمانان قدیمی طایفه بنی قینقاع که خود مسلمان بود، از جانب یهودیان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد تا میان حضرت و یهودیان میانجی گری کند؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز حکمیت او را پذیرفت (ابن هشام، ۱۹۷۸ م، ص ۶۸۸).

۳- داستان مخالفت طایفه بنوالانبار با پیامبر اسلام و ایجاد موانع برای مسلمانان، از دیگر مواردی است که می تواند بیانگر امضای حکمیت در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد. سپاه اسلام طایفه بنوالانبار را به دلیل ایذا و اذیت مسلمانان تعقیب کرده و تعدادی از آنان را اسیر می کنند. سپس آنان هیئتی را به مدینه اعزام می کنند تا از پیامبر (صلی الله علیه و آله) استرداد اسیران را تقاضا کنند. حضرت صدور حکم را به یکی از اعضای هیئت نمایندگان بنوالانبار واگذار می کند (حمیدالله، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۷۶).

نتیجه گیری:

بنا بر این دریافته ایم که یکی از مسائل مهم و ضروری اسلام در حوزه علوم نظامی، دیپلماسی به شمار می رود. همواره دیپلماسی در مواقعی ضرورت می یابد که اثر دانه باشد و از خسارات جلوگیری شود. بدین ترتیب دیپلماسی نظامی روشی است که با هدف مسالمت جویانه به حل و فصل مشکلات و اختلافات از طریق مسالمت آمیز می پردازد. در این پژوهش دریافته ایم که سفیران و دیپلمات کشور اسلامی باید از بایستگی هایی برخوردار باشند تا بتوانند نتیجه مطلوب را برای طرفین بیاورند. از جمله:

آراستگی ظاهری، ذکاوت و هوشمندی، کنترل بردباری و احساسات، آشنایی با کشور محل مأموریت، توانمند و کاردان بودن دیپلمات و امثال ذلک.

در ادامه به ویژگی‌های یک مذاکره مطلوب اسلامی اشاره کردیم که باید از سه اصل ذیل یعنی جدال نیک، گفتار نیک و قابل فهم بودن را داشته باشد. در پایان پژوهش هم به صورت مفصل و عمیق به راهبرهای تقویت دیپلماسی نظامی اشاره گردید که شامل موارد ذیل خواهند شد: اعتزال، ارسال پیام کتبی و شفاهی به سران دولت‌ها، اعزام نماینده و مذاکرات، مذاکره پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) با سفیران و نمایندگان، کنگره‌ها و بحث‌های آزاد، وفای به تعهدات نظامی، از بین بردن زمینه‌های مخاصمات، مذاکره برای انصراف از درگیری مسلحانه و میانجی‌گری. بدین ترتیب برای تقویت دیپلماسی نظامی یک کشور اسلامی که ثمره آن ایجاد امنیت نظامی خواهد بود باید اصول و شاخصه‌هایی را که بیان نمودیم مد نظر داشت.

فهرست منابع مأخذ:

≠ قرآن کریم.

≠ نهج البلاغه.

۱. ابراهیمی، عقیل، منش فرماندهی از منظر قرآن و سیره علوی، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۲ ش.
۲. ابن اثیر، عزیز الدین، الکافی فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۲۸۵ ق.
۳. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، امالی، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۴. ابن جوزی ابن سبط، تذکره الخواص، طهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
۵. ابن فراء، سفیران، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۶. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، سیره نبویه، قاهره: مکتبه کلیات الازهریه، ۱۹۷۸ ق.
۷. اسلامی، روح اله، فاطمه ذوالفقاریان، پدیدارشناسی الزامات دیپلماسی اسلامی، مجله سیاست خارجی، شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
۸. آلدپوش، علی و علیرضا توتونچیان، دیپلمات و دیپلماسی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲ ش.
۹. البلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران: سمت، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. پورامینی، محمد حسین، اسلام و حقوق دیپلماتیک، تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. حصاری، علی اکبر، دیپلماسی از دیدگاه اسلام، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. حمیدالله، محمد، سلوک دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق محقق داماد، تهران: انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. خدوری، مجید، جنگ و صلح در قانون اسلام، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین المللی اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران: سمت، بی تا.

۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ مرتضی دامن پاک جامی، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، ۱۳۹۴ ش.
۱۹. ذاکریان، مهدی، اخلاق و روابط بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۲۰. رضایی، احمد، مذاکره سیاسی در اسلام، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ ش.
۲۱. رنجبر، مقصود، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، مجله علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۴ ش.
۲۲. سجادی، سید عبدالقیوم، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. سجادی، سید عبدالقیوم، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، مجله علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۹، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۲۶. عادل، سید محمد حسین، دیپلماسی اقتصادی، مجله روند اقتصادی، شماره ۲، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. علیخانی، علی اکبر و همکاران، تعامل دولت نبوی با یهودیان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
۳۱. غفوری، محمد، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتارسیاسی پیامبر (ص)، تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. فقیهی مقدس، نفیسه، زندگی در صلح از دیدگاه قرآن کریم، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. قبادی، محسن، قرآن و روابط بین الملل، تهران: کومه، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۴ ش.
۳۵. کیایی، مهرداد، فهیمه قربانی، دیپلماسی عمومی سازمان همکاری های اسلامی، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۱، ۱۳۹۱ ش.
۳۶. مفید، محمد بن محمد ابن نعمان، الجمل، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. منتظرالقائم، اصغر، تاریخ اسلام، تهران: سمت، ۱۳۹۵ ش.
۳۹. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. موسوی شفیعی، مسعود، همت ایمانی، دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران، مجله پژوهشی راهبرد، شماره ۸۴، ۱۳۹۶ ش.
۴۱. موسوی، محمد، دیپلماسی و رفتارسیاسی در اسلام، تهران: بی نا، ۱۳۸۲ ش.
۴۲. میانجی، علی احمد، مکاتیب الرسول (ص)، بیروت: دارالمهاجر، بی تا.
۴۳. نادری، مهدی، سیمای سیاست در قرآن، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. نجفی، محمد باقر، مدینه شناسی، تهران: شرکت قلم، ۱۳۶۴ ش.